

## Predicting Domestic Violence against Women Based On the Dimensions of Sexual Schemas in Housewives

## پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار

آرزو مرادی

Arezoo moradi

Department of Clinical Psychology, Faculty of Medical Sciences,  
Sanandaj Branch, Islamic Azad University

گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، واحد سنندج،

دانشگاه آزاد اسلامی

Shayeste Chardavali

Department of Psychology, Faculty of Humanities, Sanandaj  
Branch, Islamic Azad University

\* شایسته چارداولی

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد

اسلامی

### Abstract

### چکیده

**Aim:** The aim of this study was to predict domestic violence against women based on the dimensions of sexual schemas in housewives in Sanandaj city. **Methods:** The research was applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of method implementation. The statistical population of this study consisted of all housewives in Sanandaj city in the first 6 months of 2020. From the statistical population of the study, 170 housewives were selected using Cochran formula in a targeted and accessible manner. Research tools include: 26-question Domestic Violence against Women Questionnaire of Verdinia (2010), and 50-question Sex Schemas Questionnaire of Andersen and Cyranowski (1994). Descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistics of regression analysis and Pearson correlation coefficient were used to analyze the data. The data were analyzed using SPSS statistical software. **Results:** The results indicated that about 71% of the variance of domestic violence against women can be predicted based on the dimensions of sexual schemas in housewives in Sanandaj city ( $p \leq 0/01$ ). There was also a significant inverse relationship between the components of sexual schemas and domestic violence against women ( $P (p \leq 0/01)$ ). **Conclusion:** Based on the results, it can be concluded that the components of sexual schemas have a significant inverse relationship with the tendency towards domestic violence and in designing intervention and treatment protocols to reduce domestic violence against women and increase self-awareness about sexual schemas, the necessary attention should be paid.

**هدف:** خشونت علیه زنان از آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند عوارض متعددی به بار آورد. هدف: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار شهر سنندج انجام گرفت. **روش:** پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش اجرا توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان خانه‌دار شهر سنندج در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۹ تشکیل داد. از بین جامعه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۷۰ نفر از زنان خانه‌دار به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل: پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان ۲۶ سوالی وردی نیا (۱۳۸۹)، و پرسشنامه طرحواره‌ها جنسی ۵۰ سوالی اندرسن و سیرانوسکی (۱۹۹۴) بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌ها آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آزمونهای تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد حدود ۷۱ درصد از واریانس خشونت خانگی علیه زنان را می‌توان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی، در زنان خانه‌دار شهر سنندج پیش‌بینی کرد ( $P \leq 0/01$ ). همچنین بین مولفه‌های طرحواره‌های جنسی با خشونت خانگی علیه زنان رابطه معکوس و معنی‌دار وجود داشت ( $P \leq 0/01$ ). **نتیجه‌گیری:** از نتایج می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مولفه‌های طرحواره‌های جنسی با گرایش به خشونت خانگی رابطه معکوس معنی‌داری داشته و در طراحی پروتکل‌های مداخله‌ای و درمانی جهت کاهش خشونت خانگی علیه زنان و افزایش خود آگاهی در مورد طرحواره‌های جنسی توجه لازم مبذول گردد.

**Keywords:** Domestic violence, sexual schemas, housewives

**واژگان کلیدی:** خشونت خانگی، طرحواره‌های جنسی، زنان خانه‌دار.

\* نویسنده مسؤل: cshayeste@yahoo.com Email

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

## مقدمه

خشونت خانگی<sup>۱</sup> یک بلای جهانی است که پیکر خانواده و جامعه را تخریب و سلامت افراد را تهدید می‌کند؛ و در جوامع علاوه بر جنبه‌های انسانی و حقوق بشری، یک مشکل عمده سلامت به حساب می‌آید. خشونت علیه زنان موضوعی است که زن به خاطر جنسیت خود، از جنس مخالف بر او اعمال می‌شود و تمامی حقوق زن نادیده گرفته می‌شود؛ و می‌تواند شامل: آسیب‌های جسمی، روحی و روانی، جنسی، حاملگی‌های ناخواسته و یا محرومیت زن از غذا و رفت و آمد با دیگران باشد. که در بعضی موارد منجر به مرگ می‌شود. خشونت علیه زنان می‌تواند مانع تساوی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توسعه و دسترسی به فرصتها شود، که امر جدیدی نیست و ریشه در روشهای فرهنگی و اجتماعی دارد. خشونت علیه زنان شامل خشونت در مورد مسائل جنسی، تعارضهای بین همسران، خود برتر بینی مردان نسبت به زنان هم است. تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است (Ha T, Overbeek G, Lichtwarck-Aschoff A, Engels RCME, 2013). از نظر سازمان بهداشت جهانی، خشونت خانگی علیه زنان پدیده ای جهانی است و به عنوان یکی از عوامل مهم در زندگی ناسالم این زنان به شمار می رود (WHO, 2014). پدیده خشونت خانگی علیه زنان امری پنهان است به طوری که معمولاً توسط شوهر علیه زن در محیط خلوت خانواده و به صورت پنهانی به وقوع می‌پیوندد که با برجگازردن عوارض جسمی و روانی در خود آزاردیده باعث تبعات جبران ناپذیر نیز می‌گردد (PoorSayad, 2020). همچنین طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، ۱۵ درصد زنان از سوی شریک زندگی شان خشونت را تجربه می‌کنند (Krahe, 2018). گرچه زنان علیه شوهرانشان خشونت نشان می‌دهند، اما مردان هشت برابر بیشتر از زنان عمل خشونت آمیز را به کار می‌برند (Semahegn & Mengistie, 2015). بر اساس نتیجه پژوهش شربتیان، دانش و طوفا، از بین انواع خشونت علیه زنان (مالی، جسمی، جنسی، اجتماعی، عاطفی، کلامی و روانی)، خشونتهای عاطفی، کلامی و روانی شایع ترین نوع خشونت علیه زنان بوده است (Sharbatian, Danesh & Tavafi, 2018). پژوهش محمدی و میرزایی هم نشان داد که خشونت در جامعه علیه زنان در ابعاد مختلف وجود دارد. بیشترین میزان خشونت رایج، خشونت روانی و خشونت جنسی و کمترین میزان خشونت، خشونت اقتصادی است (Mohamadi & Mirzaee, 2013). راسل و ولز دریافتند که کیفیت زناشویی همسران بیشترین تأثیر را بر وجود یا عدم وجود تعارض و در نتیجه خشونت خانگی در یک زندگی زناشویی داراست (Russel & Wells, 1994).

بر اساس نتایج تحقیقات متعدد یکی از عوامل مهم و ریشه ای تعارضات، طرحواره های جنسی است (Whisman, Uebelacker & Weinstock, 2007). ارتباطات جنسی همسران فرایندی دو طرفه است که هر

<sup>1</sup>. Domestic Violence

گونه اختلال در آن می‌تواند زمینه‌ای جهت بروز مشکلات و متزلزل شدن کانون خانواده باشد. آندرسن و کرانوسکی، مفهوم طرحواره جنسی را به عنوان تعمیم‌های شناختی فرد از جنبه‌های جنسی حاصل تجارب گذشته تعریف کرده‌اند که این طرحواره‌ها یک نمایش تاریخی از زندگی جنسی اوست و به عنوان باورهای اساسی و هسته‌ای ابعاد جنسی فرد تعریف شده است که از تجارب گذشته مشتق شده‌اند و در تجربه‌های حال نمود پیدا می‌کنند و در پردازش اطلاعات جنسی افراد تأثیر می‌گذارند و رفتار جنسی را هدایت می‌کنند (Andersen & Cyranowski, 2009). طرحواره‌ها همیشه خود را در روابط نشان می‌دهند و باعث تأثیر در عملکرد رابطه جنسی و غیرجنسی می‌شوند. آنها در پردازش اطلاعات جنسی افراد تأثیر بسیاری می‌گذارند و در رضایت و یا عدم رضایت جنسی، نقش بسیار مهمی دارند. طرحواره‌های جنسی از دو بعد مثبت پرشور-عاشقانه<sup>۱</sup> و صریح-راحت<sup>۲</sup> و یک بعد منفی طرحواره خجالتی-محتاط<sup>۳</sup> تشکیل شده است. افرادی که طرحواره‌های مثبت جنسی دارند برخلاف گروه دیگر در نگرش‌های جنسی خود راحت‌تر بوده، در نتیجه طیف گسترده تری از فعالیتهای جنسی رضایت بخش را در طول زندگی جنسی خود گزارش می‌کنند (Gottman & Levenson, 2016). واژه رضایت جنسی، به میزان خرسندی فرد از روابط جنسی و توانایی فرد در ایجاد لذت دوطرفه اطلاق شده شامل دو بعد اصلی رضایت از فعالیتهای جنسی (بعد جسمی) و رضایت عاطفی و هیجانی (بعد عاطفی) است که در آن بر اهمیت احساسات و هیجانهای مثبت، به خصوص ایجاد شادی و همچنین داشتن گفت و گویی خصوصی و صمیمانه درباره میزان علایق و انتظارات طرفین از فعالیت جنسی یکدیگر تأکید می‌شود (Barrientos, 2016). طرحواره‌های جنسی روی روابط جنسی تأثیر گذاشته، در صورت عدم ارضای رضایت بخش روابط جنسی، روابط زوجین ممکن است دچار تعارض شده، به شکل خشونت علیه همسر خود را نشان داده منجر به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده‌ها گردد. همچنین با توجه به اینکه عملکرد و رضایت جنسی و زناشویی زوجین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در دوام و بقاء ازدواجها است، بنابراین بهبود و ارتقاء آن در روابط بین زوجین می‌تواند به کاهش خشونت و تعارضات جدی زناشویی در بین زوجین منجر گردد (Noble & Pinto, 2014). با توجه به مطالب مطرح شده، وقتی که مادر خانواده دچار مشکل باشد و مورد خشونت قرار بگیرد، روی تمام افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، در این میان فرزندان بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرند. از این رو پژوهش حاضر با هدف پیش بینی خشونت علیه زنان خانه دار بر اساس طرحواره‌های جنسی انجام گرفته است.

1. Passionate Schema-romance
2. Explicit Schema-comfortable
3. Schematic Shy-cautious

## روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا توصیفی از نوع همبستگی (رگرسیون) است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان خانه دار شهر سنندج در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۹ است. از بین جامعه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۷۰ نفر از زنان خانه دار به شیوه در دسترس، انتخاب و ابزارهای پژوهش روی آنها اجرا شد. معیارهای انتخاب نمونه:

۱- تجربه خشونت خانگی ۲- داشتن مدرک دیپلم و بالاتر ۳- خانه دار باشند ۴- زوجین طلاق قانونی نگرفته باشند. برای رعایت مسائل اخلاقی در پژوهش به شرکت کنندگان آگاهی داده شد که در یک کار پژوهشی شرکت کرده، تمامی اطلاعات آنها محرمانه باقی می ماند.

ابزارهای پژوهش:

۱. پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان: این آزمون توسط وردی نیا، ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۶ سؤال است. سوالات مربوط به خشونت خانگی در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای نمره گذاری می شوند که عبارتند از: کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵). اما این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷ معکوس شده و به این صورت است: کاملاً مخالفم (۵)، مخالفم (۴)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۲) و کاملاً موافقم (۱). سوالات (۱-۸) مربوط به بعد شناختی نگرش، سوالات (۱-۱۷) مربوط به بعد عاطفی نگرش و سوالات (۱۸-۲۶) مربوط به بعد نگرش رفتاری است. برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد را با هم جمع می کنیم. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات را با هم جمع می کنیم. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش اندازه گیری آلفای کرونباخ محاسبه شده است. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+۱) به معنای پایایی کامل قرار خواهد گرفت و هر چه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد به پرسشنامه بیشتر خواهد بود. آلفای کرونباخ  $0/836$  به دست آمده است و هیچ کدام از سوالات آزمون حذف نگردیده است (Verdina, 2011). در پژوهش حاضر میزان همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ  $0/79$  به دست آمد.

۲. پرسشنامه طرحواره‌های جنسی زنان: توسط آندرسن و کرانوسکی با هدف اندازه گیری طرحواره‌های جنسی تدوین شده است و ۵۰ صفت در این آزمون مشخص شده که آزمودنی در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه ای (از اصلاً =۰ تا خیلی زیاد =۶) مشخص می سازد که هر کدام از این صفات، تا چه حد وی را توصیف می کند. از آنجا که افراد به طور آزادانه در مورد مسائل جنسی خود صحبت نمی کنند، ۲۴ صفت به عنوان ماده‌های پر کننده در این آزمون به کار رفته اند تا ماهیت اصلی مورد ارزیابی از دید آزمودنی پنهان بماند. این آزمون دارای ۲۶

ماده است. سایر آیتمها پرکننده هستند و در نمره گذاری محاسبه نمی‌شود. نمره کل در حد نصاب ۰ تا ۱۰۶ نمره گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخی که توسط اندرسن و کرانوسکی محاسبه شده است، ۰/۸۲ است که نشان دهنده پایایی مطلوب است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۸ به دست آمده است (Andersen & Cyranowski, 2009). در پژوهش حاضر میزان همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

جدول (۱) میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها

متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
خشونت خانگی	۲۶	۰/۸۳۶
طرحواره جنسی	۵۰	۰/۸۵۸

### یافته ها

در این پژوهش ۱۷۰ زن مورد مطالعه قرار گرفت. بر این اساس ۱۵/۸٪ دارای سن زیر ۲۰ سال، ۳۱/۸٪ بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۴۵/۸٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۶/۶٪ نیز بالاتر از ۴۱ سال بودند. درصد فراوانی آزمودنیهای پژوهش بر اساس سطح تحصیلات آنها، به ترتیب، ۴۵/۸٪ دیپلم و پایین تر، ۲۲/۹٪ فوق دیپلم، ۲۴/۸٪ لیسانس و ۶/۵٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند. نتایج توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
خشونت خانگی	۱۷۰	۸۱/۲۲	۱۵/۰۶	۴۵	۱۲۰
پرشور و عاشقانه	۱۷۰	۲۱/۵۶	۸/۰۹۶	۴	۴۶
صریح و راحت	۱۷۰	۱۱/۳۳	۴/۴۷	۲	۲۶
خجالتی و محافظه کار	۱۷۰	۳۷/۴۵	۲۹/۰۸	۲	۶۹

بر اساس جدول شماره ۲؛ در میان طرحواره‌های جنسی، مولفه های خجالتی و محافظه کار دارای بیشترین میانگین (۳۷/۴۵) و صریح و راحت دارای کمترین میانگین (۱۱/۳۳) است. همچنین میانگین متغیر خشونت خانگی (۸۱/۲۲) بوده است. برای پاسخگویی به سوال پژوهش مبنی بر این که: "آیا خشونت خانگی علیه زنان را می توان بر اساس طرحواره‌های جنسی پیش بینی کرد؟" از روش تحلیل رگرسیون استفاده گردید. ابتدا از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه بین متغیر پیش بین و ملاک استفاده گردید که نتایج در جدول شماره ۲، آورده شده است.

## جدول (۳) شاخص کفایت مدل (خشونت خانگی - طرحواره‌ها جنسی)

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	خطای معیار
۰/۸۴۹	۰/۷۲۰	۰/۷۱۵	۸/۰۳

بر اساس نتایج محاسبه شده در جدول ۳، همبستگی بین متغیرهای پیش بین و ملاک برابر ۰/۸۴۹ است. ضریب تعیین تعدیل شده در این آزمون برابر ۷۱/۵ درصد می‌باشد. این بدان معنی است که مولفه های طرحواره‌های جنسی تقریباً ۷۱ درصد تغییرات خشونت خانگی علیه زنان را پیش بینی کرده است. بر این اساس می‌توان گفت مدل از کفایت مطلوب برخوردار است. به همین خاطر نتیجه تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۳ آورده شده است.

## جدول (۴) آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
رگرسیون	۲۷۶۲۴/۳۶۱	۳	۹۲۰۸/۱۲۰	۱۴۲/۴۸۶	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۰۷۲۷/۶۹۲	۱۶۶	۶۴/۶۲۵		
کل	۳۸۳۵۲/۰۵۳	۱۶۹			

جدول ۴، آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیون جهت پیش‌بینی نمرات خشونت خانگی بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار F مشاهده شده برابر با (۱۴۲/۴۸۶) محاسبه شده است که از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که نمرات خشونت خانگی را می‌توان از طریق نمرات طرحواره‌های جنسی به صورت خطی پیش‌بینی کرد. نتایج ضرایب رگرسیون در جدول ۴ آورده شده است.

## جدول (۵) ضرایب رگرسیون (ضرایب بتا)

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای معیار	$\beta$	t
مقدار ثابت	۱۱۷/۲۹۹	۲/۰۴۹	-	۵۷/۲۴۴
پرشور و عاشقانه	-۱/۱۴۱	۰/۰۸۵	-۰/۶۱۳	۱۳/۳۷۰
صریح و راحت	-۰/۴۸۱	۰/۱۵۰	-۰/۱۴۳	۳/۱۹۸
محافظه کار	-۰/۱۶۱	۰/۰۲۳	-۰/۳۱۰	۶/۸۹۹

ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که همه متغیرهای پیش بین ( $P \leq ۰/۰۱$ ) می‌توانند واریانس متغیر خشونت خانگی را به صورت معنی‌دار تبیین کنند. ضریب تاثیر مولفه پرشور و عاشقانه (-۰/۶۱۳ -  $B =$ ) با توجه به آماره t نشان می‌دهد که مولفه پرشور و عاشقانه با اطمینان ۰/۹۹ می‌تواند تغییرات مربوط به

خشونت خانگی را پیش‌بینی کند. این ضریب تأثیر منفی است و معنای آن این است که اگر یک واحد به میزان مولفه پرشور و عاشقانه اضافه شود مقدار  $0/613$  - از نمره فرد در خشونت خانگی کم می‌شود. ضریب تأثیر مولفه صریح و راحت ( $B = -0/143$ ) با توجه به آماره  $t$  نشان می‌دهد که مولفه صریح و راحت با اطمینان  $0/99$  می‌تواند تغییرات مربوط به خشونت خانگی را پیش‌بینی کند. این ضریب تأثیر منفی است و معنای آن این است که اگر یک واحد به میزان مولفه صریح و راحت اضافه شود مقدار  $0/143$  - از نمره فرد در خشونت خانگی کم می‌شود. همچنین ضریب تأثیر مولفه محافظه کار ( $B = -0/310$ ) با توجه به آماره  $t$  نشان می‌دهد که مولفه محافظه کار با اطمینان  $0/99$  می‌تواند تغییرات مربوط به خشونت خانگی را پیش‌بینی کند. این ضریب تأثیر منفی است و معنای آن این است که اگر یک واحد به میزان مولفه محافظه کار اضافه شود مقدار  $0/310$  - از نمره فرد در خشونت خانگی کم می‌شود. بنابراین مدل رگرسیونی برازش شده به این داده‌ها به صورت

$$y = 117/299 - 0/613x - 0/143x - 0/310x + \epsilon$$

طرحواره‌های جنسی با خشونت خانگی رابطه وجود دارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این متغیرها رد می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که ابعاد طرحواره‌ها جنسی حدود ۷۱ درصد تغییرات خشونت خانگی علیه زنان را پیش‌بینی کرده است. برای این اساس می‌توان گفت مدل رگرسیونی از کفایت مطلوب برخوردار است. نتایج این پژوهش با یافته‌های بابایی (۱۳۹۶) و پور صیاد (۱۳۹۸) تحت عنوان پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی، کامرانی (۱۳۹۴) تحت عنوان بررسی و شناخت میزان خشونت خانگی علیه زنان و عوامل موثر بر آن در خانواده‌های ساکن شهر دره شهر، یونگ، دنی، یونگ و همکاران (۲۰۰۰)، استیلز (۲۰۰۴) و دوناگو (۲۰۱۲)، تحت عنوان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت در روابط عاشقانه جوانان همسو است.

با توجه به ادبیات تحقیق و یافته‌های پژوهش طرحواره‌های جنسی روی روابط بین فردی و نگرشهای فرد بر اساس جنسیت تأثیر گذار است. طرحواره‌های جنسی، دیدگاه‌ها، رفتارها، تصمیمات و ارزیابیهای جنسی فرد را مدیریت می‌کنند. طرحواره‌ها همیشه خود را در روابط نشان می‌دهند و باعث تأثیر در عملکرد رابطه می‌شوند. معمولاً ماهیت ناسازگار طرحواره‌ها زمانی ظاهر می‌شوند که افراد در روند زندگی خود و تعامل با دیگران به ویژه رابطه زناشویی به گونه‌ای عمل کنند که طرحواره‌های آنها باید به هر قیمتی تأیید شود، حتی اگر برداشت اولیه آنها نادرست باشد. عواملی فردی مانند مصرف مشروبات الکلی، سیگار و انواع مواد مخدر، نگرش منفی مردان نسبت به زنان، بیماریهای روانی و جسمانی زن، داشتن سابقه کیفری و اختلالات روانی مرد، سن پایین

زمان ازدواج، فاصله سنی زیاد بین زوجین، تحصیلات پایین زن و مرد، درآمد کم، نوع شغل، قربانی خشونت بودن در کودکی، داشتن خانواده نامناسب، نادیده گرفتن دیدگاه‌های زن، برخورد با زن به عنوان یک موجود حقیر، مسخره کردن زن، مکان تولد باعث خشونت علیه زنان می‌شود. عواملی در رابطه با ویژگیهای خانوادگی مانند: دخالت اطرافیان، تعدد زوجات مرد، تعدد ازدواجهای زن و مرد، تضاد علایق بین زن و مرد، عدم رضایت زناشویی، اقتدار مرد در خانه، چگونگی همسرگزینی، تعداد فرزندان بیشتر و عوامل مربوط به محیط و طبقه اجتماعی مانند فقر، ناکامی در زندگی، بیکاری و مسکن نامناسب هم سبب خشونت خانگی بر علیه زنان می‌شوند.

آندرسن و کرانوسکی نشان دادند که زنان دارای طرحواره مثبت نسبت به زنان دارای طرحواره منفی رضایت جنسی بیشتری دارند. برای زنان دارای طرحواره جنسی مثبت، روابط عاشقانه مرکزیت دارند. زنان دارای طرحواره صریح و باز، تمایلات و رفتارهای جنسی شان را مانند زنان دارای طرحواره پرشور عاشقانه گزارش می‌کنند، اما این افراد، تعهد ضعیف تر و پیوندهای کمتر پایایی دارند و ممکن است در روابط جنسی تعهد کمتری داشته باشند؛ بنابراین بازنمایی طرحواره ای یک زن جنسی گرا هم عناصر انگیزشی (برانگیختگی جنسی) و عناصر دلبستگی (روابط عاشقانه) را در پی دارد. زنانی که طرحواره‌های منفی در مورد تمایلات جنسی دارند، خودشان را از نظر عاطفی دوری‌گزین و دوست نداشتنی می‌دانند و باور دارند که در رفتار جنسی و روابط عاشقانه، به شیوه‌های بازدارنده عمل می‌کنند. این زنان تمایل دارند که در مسائل جنسی محافظه کار باشند و نگرشها و ارزشهای منفی در خصوص موضوعات جنسی داشته باشند و ممکن است خود را به عنوان افراد خودآگاه، خجالتی، یا غیرمطمئن در انواع رفتارهای جنسی و اجتماعی توصیف کنند (Andersen & Cyranowski, 2009).

روابط مناسب جنسی در زندگی زناشویی مانند نحوه بیان عواطف و احساسات به همسر، می‌تواند تأثیر متقابلی بر روابط زناشویی داشته و عزت نفس جنسی را تقویت کند. بنابراین، در یک ازدواج سالم، یک رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود، وجود دارد (RayhaniAsl & Khayatian, 2018). تعارضات در روابط زناشویی می‌تواند به عدم رضایت از روابط زناشویی به ویژه نارضایتی از روابط جنسی بین زوجین منجر شود (Aversa, Nimb & Simonelli, 2017). بر اساس نتایج پژوهشهای مختلف، زنان و مردانی که تعارضات زناشویی زیادی را در روابط و زندگی خود تجربه می‌کنند موارد مختلفی مانند درک ناکافی از یکدیگر، انتظارات غیر واقعی از ازدواج و یا انتظارات غیر واقعی از یکدیگر، مشکلات مالی و اخلاقی در زندگیشان وجود دارد. بعضی از این موارد و مشکلات مانند خیانت جنسی نقش مهمی در تعارضات



زناشویی و طلاق به عهده دارند (Babae, 2018). در همین راستا می توان بیان کرد که طرحواره های جنسی منفی در ایجاد تعارضات زناشویی و خشونت بین اعضای خانواده موثر است. خشونت علیه زنان به خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می کند و زنان در روابط صمیمی زیر سلطه مردان قرار می گیرند. این خشونتها به دلیل جو مرد سالارانه ای بوده که بر جامعه حاکم است و مردان همیشه خود را جنس برتر می دانستند و این تفکر باعث ظلم کردن آنها علیه زنان می شود. خشونت علیه زنان سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر می اندازد. با توجه به نتایج مطالعه حاضر پیشنهاد می شود کارگاه های آموزشی با استفاده از آموزش مفاهیم طرحواره های جنسی برای زوجین همراه با سایر روشهای روان درمانی مانند طرحواره درمانی و روان شناسی مثبت گرا انجام پذیرد؛ تا با بالا رفتن آگاهی طرحواره های جنسی شاهد کاهش خشونت خانگی نسبت به زنان باشیم.

### تقدیر و تشکر

در پایان از تمامی آزمودنیهای شرکت کننده در پژوهش، که در تکمیل پرسشنامه ها مشارکت داشتند، نهایت تشکر را داریم.

- Andersen B, Cyranowski J M. (2009). Women sexuality: behaviors, responses and individual difference. NIH Publicaccess. 63 (6): 891- 906.
- Aversa F, Nimb F M, Simonelli C. Sexism and sexual dysfunctional beliefs: exploring the association with sexual and relational satisfaction. The Journal of Sexual Medicine. 2017; 14(4): 109-113. <https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2017.03.092>
- Babaei, Anisheh. (2018). Predicting marital conflicts of women involved in domestic violence based on sexual schemas, sexual function and sexual satisfaction. Journal of Psychiatric Nursing, 6(5).
- Barrientos J. (2016). The effect of sexual satisfaction on marital satisfaction of couples. Journal of Systemic -Applied Couples Therapy. 32(1):351-68.
- Gottman J, Levenson R. (2016). Investigation of a couple's divorce phenomenon over a 14-year period. Journal of Marriage and the Family. 69(13):928-37.
- Ha T, Overbeek G, Lichtwarck-Aschoff A, Engels RCME (2013). Do conflict resolution and recovery predict the survival of adolescents' romantic relationships? PLoS ONE 8(4): e61871. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0061871>.  
<https://civilica.com/doc/441038>
- Kamrani, Asie. (2016). Investigating and recognizing the level of domestic violence against women and the factors affecting it in families living in DarrehShahr city, International Conference on Research in Behavioral and Social Sciences.
- Krahe, P. (2018). Violence against women. Current Opinion in Psychology. 19: 6-10.
- Mohammadi, Faezeh., Mirzaei, Rahmat. (2013). Investigating the social factors affecting violence against women (Ravansar city study). Iranian Journal of Social Studies, 6(1), 129-101.
- Noble J, Pinto J. (2014). The difference between men and women with functional and sexual disorders. Doctoral Dissertation. New York: School of Psychology Education, Boston University.
- Reyhani Asl, Forough., Khayatian, Flor. (2018). The effectiveness of sexual skills training on women's sexual schemas, sexual self-esteem and sexual satisfaction of women referred to counseling centers

- in Isfahan. Journal of Kurdistan Faculty of Nursing, Midwifery and Paramedical Sciences, 2(4).  
DOI: 10.29252 / sjnmp.2.4.45
- Russell RJ, Wells PA. (1994). Predictors of happiness in married couples. *Pers Indian Differ*.17(3):313-21.
- Semahegn, A. & Bezatu Mengistie (2015). Domestic violence against women and associated factors in Ethiopia; systematic review. *Reproductive Health*. 12: 78.
- Sherbatian, Mohammad Hassan., Danesh, Parvane., Tawafi, Pooya. (2018). Sociological analysis of domestic violence against women and its relationship with the feeling of security at home (Case study of women aged 18-54 in the Miane city). *Journal of Strategic Research on Social Issues in Iran*. 6(1), 72-47.
- Stiles OE. (2004). Early Maladaptive Schemas and intimacy in young adults' romantic relationships. San Francisco, USA: Alliant International University.
- Whisman MA, Uebelacker LA, Weinstock LM. (2007). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 27: 830-838.
- WHO (2014). Strengthening the role of the health system in addressing violence, in particular against women and girls, and against children, The Sixty-seventh World Health Assembly. Agenda item 14, 3.
- Young M, Denny G, Young T, Luquis R. (2000). Sexual satisfaction among married women. *Am J Health Stud*.16(2):73-84.
- Zakariapur Sayad, Amene. (2020). Study of Domestic Violence against Women in Tehran (Case Studies in District 20 of Tehran), Third Conference on Science and Technology of Psychology, Educational Sciences and Sociology of Iran, Tehran. <https://civilica.com/doc/929786>

